Family Pathology, Counseling & Enrichment
2018. Vol. 4, N. 1 (7), 1-16

آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده
۱۳۹۷، ۴، ۱ (پیاپی ۷): ۱۶-۱

نقش الگوهای ارتباطی خانواده، ساختار انگیزشی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در پیش‌بینی طلاق هیجانی زوجین

The role of family communication patterns, motivational structure and psychological flexibility in predicting couples' emotional divorce

Nilofar Mikaeli
Saeid Rahimi
Mehrnaz Sedaghat

نیلوفر میکائیلی *
سعید رحیمی**
مهرناز صداقت***

abstract

The purpose of this study was to investigate the role of family communication patterns, motivational structure and psychological flexibility in predicting the emotional divorce of couples. Descriptive-correlational research Method and statistical society of all couples in Ardabil city were 75000 people, of whom 400 were selected by available sampling method. Then they responded to Gatman's emotional divorce questionnaire (2008), acceptance and practice of the second edition (2011), Personal Concern Inventory (2002), and a revised family communication patterns questionnaire (1994). Data were analyzed using Pearson correlation and multiple regression analysis. The results showed that Emotional divorce with psychological flexibility, adaptive motivation structure, and communication pattern of dialogue have a negative and significant correlation with non-adaptive motivational structure and Conformity communication pattern and Meaningful. Also, the results of regression analysis showed that 45% of variance of emotional divorce variance is explained by the variables of motivational structure, family communication patterns and psychological flexibility. Emotional divorce can be reduced by providing the necessary training to improve family communication patterns, psychological flexibility and adaptive motivational structure of couples who are experiencing the problem of divorce or seeking divorce.

Key words: *Emotional Divorce, Psychological Flexibility, Family Communication Patterns, Motivational Structure*

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش الگوهای ارتباطی خانواده، ساختار انگیزشی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در پیش‌بینی طلاق هیجانی زوجین بود. روش پژوهش توصیفی - همبستگی و جامعه آماری آن همه زوجین شهر اردبیل به تعداد ۷۵۰۰۰ نفر بودند که از میان آن‌ها ۴۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. سپس به پرسشنامه‌های طلاق هیجانی گاتمن (۲۰۰۸)، پذیرش و عمل ویرایش دوم (۲۰۱۱)، نگرانی‌های شخصی (۲۰۰۲) و پرسش‌نامه تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی خانواده (۱۹۹۴) پاسخ دادند. داده‌های به‌دست‌آمده با به‌کارگیری آزمون‌های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه تجزیه‌وتحلیل شدند. برآیندها نشان داد که طلاق هیجانی با انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، ساختار انگیزشی انطباقی و الگوی ارتباطی گفت‌وشنود ارتباط منفی و معنی‌دار و با ساختار انگیزشی غیر انطباقی و الگوی ارتباطی همنوایی ارتباط مثبت و معنی‌داری دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد ۴۵ درصد از واریانس طلاق هیجانی توسط متغیرهای ساختار انگیزشی، الگوهای ارتباطی خانواده و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی تبیین می‌شود. با ارائه آموزش‌های لازم در جهت بهبود الگوهای ارتباطی خانواده، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و ساختار انگیزشی انطباقی زوجینی که مشکل طلاق هیجانی دارند یا متقاضی طلاق هستند می‌توان طلاق هیجانی را کاهش داد.

واژگان کلیدی: *طلاق هیجانی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، الگوهای ارتباطی خانواده، ساختار انگیزشی*

*. نویسنده مسئول: دانشیار گروه آموزشی روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
تلفن: ۰۹۱۴۱۹۷۲۲۵۰ ایمیل:nmikaeili@uma.ac.ir
**. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
***. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1397.4.1.5.5]

مقدمه

خانواده نخستین و منحصربه‌فردترین نهاد اجتماعی است که سلامت و بهروزی یک جامعه را مرهون سلامت و رضایت اعضای آن دانسته‌اند (گلدنبرگ و گلدنبرگ[1]، ۲۰۱۲). آنچه در یک خانواده اتفاق می‌افتد و کارکرد آن می‌تواند یک عامل کلیدی در ایجاد انعطاف‌پذیری و کاهش خطرات زمان اکنون و آینده در رویارویی با رخدادها و شرایط ناخواسته باشد (زوبریک، سیلبرن ودی موجو[2]، ۲۰۰۶). برجسته‌ترین عامل فروپاشی خانواده آسیبی تحت عنوان طلاق است که برای فرد، خانواده و اجتماع آثار ویرانگری دارد (ترودل و گولدفورب[3]، ۲۰۱۰). طلاق را می‌توان به دودسته تقسیم کرد: طلاق آشکار که در آن زوجین به‌طور رسمی از یکدیگر جدا می‌شوند و طلاق پنهان که بنا به ضرورت و اجبار با همدیگر زندگی می‌کنند که به این گونه طلاق، طلاق هیجانی[4] گفته می‌شود (پروین، داوودی و محمدی، ۱۳۹۰). نتایج پژوهش‌های صالحی‌امیری، حکمت پور و فدایی (۱۳۹۳) نشان داد خانواده‌هایی که در آن‌ها طلاق هیجانی وجود دارد در سنجش با خانواده‌های بهنجار قادر به حل مشکلات و تعارض‌های خود نیستند، ارتباط هیجانی اعضای خانواده ناکارآمد و آشفته بوده و در زمینه تعامل نقش‌ها و کارکرد کلی به شیوه ضعیفی عمل می‌کنند. نتایج پژوهش احمدوند، احمدوند و بابایی (۱۳۹۶) نشان داد که طلاق هیجانی با کیفیت زندگی و اعتماد در روابط زناشویی رابطه منفی و معنی‌داری دارد.

یکی از عواملی که می‌تواند در طلاق هیجانی مؤثر باشد، الگوهای ارتباطی خانواده[5] است. در الگوهای ارتباطی خانواده دو بعد زیربنایی جهت‌گیری گفت‌وشنود[6] و جهت‌گیری همنوایی[7] مطرح گردیده است (فیتزپاتریک و ریچی[8]، ۱۹۹۴). در خانواده‌هایی که الگوی گفت‌وشنود وجود دارد، اعضای خانواده به‌طور مکرر و به‌صورت خودانگیخته با یکدیگر در تعامل هستند، به‌طور آزادانه درباره موضوع‌های مختلف با یکدیگر به بحث و تبادل‌نظر می‌پردازند و با همفکری، تصمیم‌های مربوط به خانواده را اتخاذ می‌کنند ولی در جهت‌گیری همنوایی روابط خانواده بر همسان بودن بازخوردها، ارزش‌ها، عقاید و اجتناب از تعارض

1. Goldenberg & Goldenberg
2. Zubrick, Silburn & De Maio
3. Trudel & Goldfarb
4. emotional divorce
5. family communication pattern
6. conversation
7. conformity
8. Fitzpatrick & Ritchie

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1397.4.1.5.5]

تأکید می‌شود (کوئرنر و فیتزپاتریک[1]، ۲۰۰۲). ملکی زاده، مراد خواه، ملکی و حبیب (۱۳۹۶) در پژوهش خود نشان دادند که میان ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با کنترل عواطف رابطه معنی‌داری وجود دارد و ابعاد الگوهای ارتباطی قادر به پیش‌بینی کنترل عواطف زوجین می‌باشد. همچنین خواهانی پور و چیناوه (۱۳۹۵) عنوان کردند که ساختار قدرت در خانواده و الگوهای ارتباطی خانواده می‌تواند روابط صمیمانه زوجین را پیش‌بینی کند. از سویی دیگر پژوهش پرویزی، سرابی، سالمی و کلهری (۱۳۹۵) نشان داد عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زوجین نیز می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند.

از عوامل دیگری که می‌تواند بر طلاق هیجانی زوجین تأثیر بگذارد، ساختار انگیزشی[2] است. طبق دیدگاه ککس و کلینگر[3] (۲۰۰۴) اهداف نقش کلیدی در زندگی بشر ایفا می‌کنند و انجام هر کاری در زندگی مستلزم انتخاب و تعقیب یک هدف است. افرادی که باور دارند که به اهدافشان خواهند رسید، نسبت به افرادی که چنین باوری ندارند، معمولاً شادی و رضایت بیشتری از زندگی خود دارند. در این دیدگاه انگیزش به‌عنوان فرآیندهایی تعریف می‌شود که راه‌های رسیدن به هدف را میسر می‌سازند. بر این اساس، اهداف فرد و شیوه‌های جستجوی آن‌ها ساختار انگیزشی نامیده می‌شوند. صالحی‌فدری، باقری نژاد، فرزانه و طالبیان شریف (۱۳۹۰) در پژوهشی نشان دادند که سطح کلی موفقیت در دستیابی به اهداف در حیطه‌های مختلف زندگی می‌تواند عامل مهمی در تعیین رضایت زناشویی باشد. همچنین تحقیقات الیوت و چرچ[4] (۲۰۰۲) نیز نشان داد که بین خلق‌وخوی گرایشی و هیجانات مثبت در تعقیب هدف ازیک‌طرف، همین‌طور بین خلق‌وخوی اجتنابی و رفتارهای نوروتیک، هیجانات منفی همبستگی قوی وجود دارد.

از سویی دیگر طلاق هیجانی ممکن است تحت تأثیر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی[5] باشد. انعطاف‌پذیری روان‌شناختی حاصل، شش فرایند: پذیرش، گسلش شناختی، بودن در زمان حال، خود به‌عنوان بافتار، ارزش‌ها و عمل متعهدانه است (هیز، لوما، بوند، ماسودا و لیلیس[6]، ۲۰۰۶). نظریه‌های نوین به انعطاف‌پذیری به‌عنوان ساختار چندبعدی نگاه می‌کنند که شامل متغیرهای بنیادی مانند مزاج، شخصیت و مهارت‌های . این مهارت‌ها به فرد اجازه می‌دهند تا با وقایع تروماتیک و خاصی چون مهارت حل مسئله می‌باشد

1. Koerner & Fitzpatrick
2. motivational structure
3. Cox & Klinger
4. Elliot & Church
5. psychological flexibility
6. Hayes, Luoma, Bond, Masuda & Lillis

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1397.4.1.5.5]

آسیب‌زای زندگی سازگاری مطلوبی ایجاد کند و افراد به‌گونه‌ای موفقیت‌آمیز با استرس و حوادث آسیب‌زا سازگاری مثبت نشان دهند (کمبل- سیلز، کوهن و اشتین[1]، ۲۰۰۶).

با توجه به رشد روزافزون طلاق هیجانی در جامعه و پیامدهای ناشی از آن و ازآنجایی‌که بسیاری از زوج‌ها به دلیل سنتی بودن خانواده‌هایشان ترجیح می‌دهند در یک زندگی بسیار بی‌کیفیت ادامه دهند تا زیر بار فشار روانی حاصل از طلاق نروند. در چنین شرایطی پدیده‌ی طلاق هیجانی و زندگی مستقل عاری از عواطف و تنها زیر یک سقف به‌وفور به چشم می‌خورد. در همین راستا، هدف از این پژوهش پاسخ به این پرسش است که:

۱. آیا الگوهای ارتباطی خانواده، ساختار انگیزشی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی قادر به پیش‌بینی طلاق هیجانی زوجین می‌باشند؟

روش

روش تحقیق مطالعه حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری موردمطالعه در این پژوهش همه زنان و مردان متأهل ۲۰ تا ۵۰ ساله شهر اردبیل در سال ۱۳۹۷ که در حال حاضر با همسر خود زندگی می‌کنند بود. حجم گروه نمونه بر اساس آمار اداره ثبت‌احوال استان اردبیل n=۷۵۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. تعداد نمونه با توجه به جدول کرجسی و مورگان برای این تعداد جامعه N=۳۸۲ نفر می‌باشد. در این پژوهش در مرحله اول ۴۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ۲۳۹ پرسش‌نامه (۱۸ پرسش‌نامه به دلیل ناقص بودن و ۲۲۱ پرسش‌نامه به دلیل نداشتن ملاک‌های لازم و نقطه برش در مقیاس طلاق هیجانی گاتمن) کنار گذاشته شدند و درنهایت داده‌های ۱۶۱ نفر تجزیه‌وتحلیل شدند. شهر اردبیل به ۵ منطقه در شهرداری تقسیم می‌شود. بر این اساس از هر منطقه به‌طور تصادفی ۱۳ خیابان انتخاب شد و با مراجعه به منازل افراد و کسب رضایت از آن‌ها پرسش‌نامه‌های پژوهش تکمیل گردید. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل؛ گذشت حداقل یک سال از ازدواج، عدم اقدام برای طلاق، دامنه سنی بین ۲۰ تا ۵۰ سال، عدم ابتلا به بیماری‌های مزمن شناخته‌شده (بیماری قلبی، دیابت و کلیوی)،

1. Campbell-Sills, Cohan & Stein

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1397.4.1.5.5]

حداقل تحصیلات سوم راهنمایی (به‌منظور توانایی خواندن و درک پرسش‌نامه‌های خودگزارش‌دهی) و تمایل به شرکت در پژوهش. همسرانی که از این ملاک‌ها برخوردار نبودند از جریان پژوهش خارج شدند.

ابزار

پرسش‌نامه تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی خانواده [1] ***(RFCP)***. این پرسش‌نامه خود گزارشی، در سال ۱۹۹۴ توسط فیتزپاتریک و ریچی ساخته‌شده و موافقت یا عدم موافقت پاسخ‌دهنده را در دامنه پنج‌درجه‌ای با ۲۶ گزاره مرتبط با ارتباطات خانوادگی می‌سنجد. ۱۵ گزاره اول اختصاص به بعد گفت‌وشنود دارد و ۱۱ گزاره بعدی مربوط به بعد همنوایی است. نمره بیشتر در هر بخش به این معناست که آزمودنی استنباط می‌کند در خانواده او جهت‌گیری گفت‌وشنود یا همنوایی بیشتری وجود دارد. اعتبار این ابزار در مطالعات بسیاری مورد تائید قرارگرفته است. میانگین آلفای کرونباخ در مورد زیر مقیاس جهت‌گیری گفت‌وشنود در پنج مطالعه ۰/۸۹ و دامنه آن میان ۰/۸۴ تا ۰/۷۳ گزارش‌شده است (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) در بررسی‌های خود نشان داده‌اند این ابزار از روایی محتوایی، ملاکی و سازه‌ای خوبی برخوردار است. در ایران نیز کوروش نیا و لطیفیان (۱۳۸۶) نسخه فارسی مقیاس و روایی آن را مطلوب و ضریب آلفای کرونباخ برای جهت‌گیری گفت‌وشنود و همنوایی را به ترتیب برابر با ۰/۸۷ و ۰/۸۱ گزارش کرده‌اند.

پرسش‌نامه نگرانی‌های شخصی [2] ***(PCI)***. پرسش‌نامه دغدغه‌های شخصی (ککس و کلینگر، ۲۰۰۲) فرم تجدیدنظر شده و کوتاه از پرسش‌نامه ساختار انگیزشی [3] MSQ؛ (کلینگر و ککس و بلونت، آلن و کلمبوس [4]، ۱۹۹۵) است. در این پرسش‌نامه از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود مهم‌ترین هدف خود را در هر یک از ده حیطه از زندگی (برای نمونه روابط با خانواده، همسر و بستگان) که در پرسش‌نامه ذکرشده در نظر بگیرند. سپس از آن‌ها خواسته می‌شود تا بر ۱۰ جنبه، دیدگاه‌ها و احساسات خود را درباره رسیدن به هر هدف درجه‌بندی کنند. این جنبه‌ها، عبارت‌اند از: الف) اشتیاق به هدف؛ ب) انزجار از هدف؛ ج) میزان کنترل؛ د) میزان اطلاعات؛ میزان موفقیت در صورت تلاش؛ و) میزان موفقیت به دلیل شانس؛ ز) میزان ناخشنودی در صورت رسیدن؛ ط) میزان غمگینی از نرسیدن؛ ی) میزان تعهد؛ و ک) مدت‌زمان لازم برای

1. revised family communication patterns
2. personal concern inventory
3. motivational structure questionnaire
4. Klinger, Blount, Allen & Columbus

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1397.4.1.5.5]

دستیابی به هدف یا حصول پیشرفت. شواهد حاکی از روایی و پایایی قابل‌قبول پرسش‌نامه ساختار انگیزشی است. در تأیید روایی این پرسش‌نامه برای نمونه، پژوهشی است که نشان می‌دهد رسانایی پوستی در آزمودنی‌ها با مشاهده اهدافی که در پرسش‌نامه ساختار انگیزشی انتخاب کرده بودند، افزایش می‌یابد (نیکولا، کلینگر و لارسن گاتمن، ۱۹۹۳؛ به نقل از ککس و همکارش، ۲۰۰۲). همچنین، در پژوهش دیگری مشخص شد بین رؤیاهای شرکت‌کنندگان و محتوای دغدغه‌های جاری آن‌ها، که قبل از خواب برای آن‌ها خوانده‌شده بود، رابطه وجود دارد (ککس و همکارش، ۲۰۰۲). در پژوهش صالحی فدری (۲۰۰۳)، فرم خلاصه‌شده دغدغه‌های شخصی با ۱۰ شاخص، بر روی دو نمونه شامل دانشجویان و سوءمصرف کنندگان الکل صورت گرفت. ضریب آلفای کرونباخ برای نمونه شامل دانشجویان ۰/۷۷ و برای نمونه شامل سوءمصرف کنندگان الکل ۰/۷۵ محاسبه شد.

مقیاس طلاق هیجانی[1]. مقیاس طلاق هیجانی از کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج نوشته جان گاتمن[2] (۱۹۹۸، ترجمه جزایری، ۱۳۸۸) گرفته‌شده است. این مقیاس در سال ۲۰۰۸ توسط گاتمن برای سنجش طلاق هیجانی ساخته‌شده است. این مقیاس ۲۴ سؤال دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد. پاسخ بله امتیاز یک و پاسخ خیر امتیاز صفر می‌گیرد. پس از جمع‌کردن پاسخ‌های مثبت، چنانچه تعداد آن برابر هشت (۸) و بالاتر باشد، به معنای این است که زندگی زناشوییِ فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق روانی در وی مشهود است. دامنه نمرات مقیاس میان ۰ تا ۲۴ خواهد بود. نمره بالاتر نشان‌دهنده طلاق هیجانی بالا و نمره پایین نشان‌دهنده طلاق هیجانی پایین در میان افراد است. در نسخه اصلی ضریب پایایی مقیاس بالای ۰/۷۰ گزارش‌شده است. در نسخه ایرانی مقیاس از روش آلفای کرونباخ برای تعیین ضریب پایایی مقیاس استفاده شد و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۳ به دست آمد (مامی و عسگری، ۱۳۹۳). همچنین در پژوهش بیات مختاری (۱۳۹۲) روایی محتوایی مقیاس مطلوب گزارش‌شده است.

پرسشنامه پذیرش و عمل ویرایش دوم[3]. این پرسش‌نامه به‌وسیله باند[4] و همکاران (۲۰۱۱) ساخته‌شده است. یک نسخه ۱۰ ماده‌ای از پرسشنامه اصلی (ویرایش اول) است که به‌وسیله (هیز[5]، ۲۰۰۰) ساخته‌شده بود. این پرسش‌نامه، سازه‌ای را می‌سنجد که به تنوع، پذیرش، اجتناب تجربی و انعطاف‌ناپذیری

1. emotional divorce scale
2. Gottman
3. acceptance and action questionnaire (AAQ-II)
4. Bond
5. Hayes

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1397.4.1.5.5]

روان‌شناختی برمی‌گردد؛ نمرات بالاتر نشان‌دهنده‌ی انعطاف‌پذیری روانی بیشتر است. این پرسش‌نامه در کشورهای گوناگون دنیا هنجاریابی شده است. در فرانسه نتایج تحلیل عاملی دو عامل را نشان داد. آلفای کرونباخ آن در جمعیت عمومی ۰/۸۲ و در گروه بیمار ۰/۷۶ به دست آمد. همچنین همبستگی پرسش‌نامه پذیرش و عمل با پرسش‌نامه افسردگی بک و اضطراب حالت معنی‌دار بود (مونتس، ویلیت، موراس، لاوس و بوند[1]، ۲۰۰۹). در ایران عباسی، فتی، مولودی و ضاربی (۱۳۹۱) همسانی درونی این ابزار را میان ۰/۷۱ تا ۰/۸۹ گزارش کردند. نتایج تحلیل عاملی پژوهش آن‌ها نیز دو عامل را نشان داد.

شیوه اجرای پژوهش

در ابتدا برای جمع‌آوری داده‌ها به‌طور تصادفی ۱۳ خیابان انتخاب‌شده و با مراجعه به منازل افراد، هدف از انجام پژوهش برای یکی از زوجینی که تمایل به همکاری داشت توضیح داده شد تا برای انجام پژوهش همکاری‌های لازم به عمل آید. قبل از اجرای پرسش‌نامه‌ها، کسب رضایت زوجین با بیان توضیحاتی درباره محرمانه ماندن، عدم ذکر نام و ملاک‌های ۷،۸ و ۹ منشور اخلاق در پژوهش به دست آمد. سپس پرسش‌نامه‌های پژوهش در اختیار شرکت‌کنندگان پژوهش قرار گرفت، در ضمن پژوهشگر از شرکت‌کنندگان درخواست می‌کرد که اگر پرسش نامفهومی وجود دارد قبل از تحویل دادن پرسش‌نامه آن را مطرح و پاسخ آن را از پژوهشگر دریافت کنند.

برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (شامل میانگین، انحراف معیار، درصدها) و ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss نسخه ۲۴ و در سطح خطای ۰/۰۱ انجام شد.

یافته‌ها

نمونه پژوهش شامل ۱۶۱ نفر از زوجین شهر اردبیل بود که در دامنه سنی ۴۶-۲۰ سال قرار داشتند. میانگین سنی افراد نمونه ۲۹/۵۸ و انحراف معیار آن ۵/۲ سال بود. سطح تحصیلات ۲۴ نفر (۱۴/۹) از زوجین ابتدایی، ۷۶ نفر (۴۷/۲) سیکل، ۴۱ نفر (۲۵/۵) دیپلم، ۶ نفر (۳/۷) فوق‌دیپلم و ۱۴ نفر (۸/۷) لیسانس به بالا بود. از

1. Monestès, Villatte, Mouras, Loas & Bond

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1397.4.1.5.5]

میان افراد شرکت‌کننده ۸۷ نفر مرد (۵۴)، ۷۴ نفر زن (۴۶) بودند. میانگین سال‌های ازدواج در پاسخگویان ۹ سال بوده و کمترین آن‌ها دو سال و بیشترین آن‌ها ۳۴ سال می‌باشد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار و ماتریس همبستگی پیرسون میان متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	طلاق هیجانی	۱					
۲	انعطاف‌پذیری روان‌شناختی	-۰/۴۰**	۱				
۳	ساختار انگیزشی انطباقی	-۰/۳۸**	۰/۴۴**	۱			
۴	ساختار انگیزشی غیر انطباقی	۰/۵۱**	-۰/۲۵**	-۰/۳۹**	۱		
۵	الگوی ارتباطی همنوایی	۰/۳۷**	-۰/۳۸**	-۰/۳۲**	۰/۲۵**	۱	
۶	الگوی ارتباطی گفت‌وشنود	-۰/۳۲**	۰/۴۰**	۰/۳۰**	-۰/۱۶*	-۰/۳۳**	۱
	میانگین	۱۳/۱۱	۳۷/۳۱	۶۵/۱۹	۳۶/۰۸	۳۲/۰۸	۲۷/۴۴
	انحراف معیار	۲/۶۹	۱۲/۷۲	۱۴/۹۲	۲۰/۱۶	۸/۴۶	۸/۲۴

* P<۰/۰۵ ** P<۰/۰۱

نتایج حاصل از همبستگی پیرسون در جدول ۱ نشان می‌دهد که طلاق هیجانی با انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، ساختار انگیزشی انطباقی و الگوی ارتباطی گفت‌وشنود رابطه منفی و معنی‌دار ولی با ساختار انگیزشی غیر انطباقی و الگوی ارتباطی همنوایی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. انعطاف‌پذیری روان‌شناختی نیز با الگوی ارتباطی گفت‌وشنود و ساختار انگیزشی انطباقی رابطه مثبت و معنی‌دار و با ساختار انگیزشی غیر انطباقی و الگوی ارتباطی همنوایی ارتباط منفی و معنی‌داری دارد. در این پژوهش قوی‌ترین ارتباط میان طلاق هیجانی و ساختار انگیزشی غیر ارتباطی با ۰/۵۱ درصد است.

جدول ۲. یافته‌های رگرسیون چندگانه برای بررسی نقش ساختار انگیزشی (انطباقی، غیر انطباقی)، الگوهای ارتباطی خانواده (گفت‌وشنود و همنوایی) و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در پیش‌بینی طلاق هیجانی زوجین

متغیر ملاک: طلاق هیجانی							
متغیر پیش‌بین	R	R2	F	P	β	T	p
انعطاف‌پذیری روان‌شناختی					-۰/۱۳	-۲/۰۲	۰/۰۴
ساختار انگیزشی انطباقی					-۰/۱۷	-۲/۳۰	۰/۰۳
ساختار انگیزشی غیر انطباقی	۰/۷۴۳	۰/۴۵۲	۱۱/۲۶۸	۰/۰۰۱	۰/۲۸	۴/۳۲	۰/۰۰۰
الگوی ارتباطی همنوایی					۰/۱۴	۲/۲۴	۰/۰۲
الگوی ارتباطی گفت‌وشنود					-۰/۲۳	-۳/۳۴	۰/۰۰۱

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1397.4.1.5.5]

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ۴۵ درصد از واریانس طلاق هیجانی توسط متغیرهای پیش‌بین تبیین می‌شود. با توجه به مقادیر بتای انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، ساختار انگیزشی انطباقی و الگوی ارتباطی گفت‌وشنود این متغیرها می‌توانند به‌طور منفی و معنی‌دار، طلاق هیجانی زوجین را تبیین کنند. همچنین ساختار انگیزشی غیر انطباقی و الگوی ارتباطی همنوایی قادر هستند طلاق هیجانی زوجین را به‌طور مثبت و معنی‌دار تبیین کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

برآیند پژوهش نشان داد که میان الگوی ارتباطی همنوایی با طلاق هیجانی ارتباط مثبت و معنی‌دار و میان الگوی ارتباطی گفت‌وشنود ارتباط منفی و معنی‌دار وجود دارد و الگوهای ارتباطی خانواده قادر هستند طلاق هیجانی زوجین را پیش‌بینی کنند. درباره تبیین برآیندهای به‌دست‌آمده، می‌توان بیان نمود که بر پایه دیدگاه بوهانان بوهانان (۱۹۷۰، به نقل از اولسن و دفراین[1]، ۲۰۰۶) طلاق هیجانی روشنگر رابطه زناشویی روبه‌زوالی است که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. زن و شوهر اگرچه ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، ولی جاذبه و اعتماد آن‌ها نسبت به یکدیگر ازمیان‌رفته است. طلاق هیجانی نقش مهمی در به خطر انداختن سلامت خانواده و فرد دارد، اگرچه این چالش کمتر موردتوجه قرارگرفته است (لعل زاده کندکلی و عسگری ابراهیم‌آباد، ۱۳۹۴). در الگوی ارتباطی همنوایی اعضای خانواده تشویق می‌شوند تا از دید ارزشی، نگرشی و اعتقادی مانند همدیگر شوند تا از تعارض در تعاملات اجتناب کنند که به‌نوعی از خودجوشی و استقلال نظر آنان کاسته می‌شود (کوئرنر و فیزپاتریک، ۱۹۹۷). ارائه اعتقادات و باورهای تحمیلی از سمت خانواده بر اعضای خود در الگوی ارتباطی همنوایی بر خودپنداره فرد تأثیر می‌گذارد و ازآنجایی‌که فرد میل درونی به استقلال و فردیت دارد دچار تعارض درونی می‌شود و این تعارض موجب آشفتگی‌های روانی و افسردگی می‌شود. درحالی‌که در الگوی گفت‌وشنود همه اعضا تشویق می‌شوند که بدون ترس و محدودیت نظرات خود را ابراز کنند و آزادانه در بحث‌ها شرکت کنند. این نوع الگوی ارتباطی بیشتر در کشورهای غربی جریان دارد و در آنجا بر فردیت و ابراز آزادانه نظرات تأکید می‌شود و درحالی‌که در فرهنگ ایرانی بیشتر الگوی همنوایی مطرح است و فرد نمی‌تواند نظرات خود را به‌راحتی ابراز کند. در فرهنگ شرقی اگر کسی قاطع باشد و نظرات، دیدگاه‌ها و خواسته‌های خود را صریحاً ابراز کند با انتظارات گروه هماهنگ نیست و خودخواه و گستاخ تلقی می‌شود (عسگری،

1. Olson & Defrain

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1397.4.1.5.5]

رشیدی، نقشینه و شریفی، ۱۳۹۴). وجود ارتباط مناسب با خانواده منجر به کاهش تنش و ناآرامگی میان زوجین شده و رفع‌ورجوع مشکلات آنان بسیار تأثیرگذار است. زوجینی که از سوی دوستان و خانواده خود حمایت مناسب دریافت می‌نمایند، در حل مشکلات و مسائل خود بیشتر مشتاق به گفتگو می‌باشند که این عامل در کاهش طلاق هیجانی زوجین نقش دارد.

از دیگر نتایج این پژوهش این بود که میان ساختار انگیزشی انطباقی با طلاق هیجانی ارتباط منفی معنی‌دار و میان ساختار انگیزشی غیر انطباقی با طلاق هیجانی ارتباط مثبت معنی‌دار وجود دارد. ساختار انگیزشی انطباقی به‌طور منفی و ساختار انگیزشی غیر انطباقی به‌طور مثبت می‌توانند طلاق هیجانی زوجین را پیش‌بینی کند. همسرانی که ساختار انگیزشی انطباقی داشتند، مستعد طلاق هیجانی نبودند؛ ولی همسرانی که ساختار انگیزشی غیر انطباقی داشتند، مستعد طلاق هیجانی بودند. در تبیین این نتایج می‌توان گفت ساختار انگیزشی شامل عوامل درون فردی و بین فردی است که در موفقیت یا شکست فرد در دستیابی به اهداف نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. انجام هر کاری در زندگی مستلزم انتخاب یک هدف و تعقیب آن در زندگی می‌باشد. تعقیب یک هدف مناسب برای رسیدن به سلامت روان‌شناختی، از اهمیت خاص برخوردار است (ککس و کلینگر، ۲۰۰۴). نتایج تحقیقات نشان داده است که ساختار انگیزشی غیر انطباقی در کاهش رضایت از زندگی همسران نقش مهمی دارد. سلیمانیان (۱۳۸۴) در پژوهش خود با عنوان بررسی اثربخشی و کارآمدی مشاوره انگیزشی نظام‌مند بر تعارض زناشویی به این نتیجه دست یافت که کاهش در بعد انطباقی ساختار انگیزشی، با آشفتگی‌های بیشتر زناشویی همراه بود. نتایج تحقیقات صالحی فدردی و همکاران (۱۳۹۰)، نشان داد افزایش در انگیزش انطباقی، افزایش در رضایت زناشویی کلی و مؤلفه‌های آن را پیش‌بینی می‌کند و به نظر می‌رسد سطح کلی موفقیت در دستیابی به اهداف در حیطه‌های مختلف زندگی، می‌تواند عامل مهمی در پیش‌بینی رضایت زناشویی باشد. همچنین راسل – چاپین، چاپین و ساتلر[1] (۲۰۰۱) در پژوهش خود نشان دادند که شیوه دستیابی افراد به اهداف در رضایت زناشویی آن‌ها مؤثر است. از طرفی نیز پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین ساختار انگیزشی و سلامت عمومی (کارتر- اسنیلو و هگادرون[2]، ۲۰۰۳) رابطه مثبت معنی‌دار و بین ساختار انگیزشی و مشکلات زناشویی، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد (کیوی‌مکی[3] و همکاران، ۲۰۰۱). مشکلات زناشویی بیشتر باعث تمایل زوجین به طلاق شده و از آنجایی که طلاق رسمی به دلایلی برای همه زوجین امکان‌پذیر نیست پس به احتمال بیشتری به طلاق هیجانی روی می‌آورند. پس می‌توان ارتباط ساختار انگیزشی زوجین را با طلاق هیجانی توجیه کرد.

1. Russell-Chapin, Chapin & Sattler
2. Carter-Snell & Hegadoren
3. Kivimäki

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1397.4.1.5.5]

آخرین نتیجه پژوهش حاضر این بود که میان انعطاف‌پذیری روان‌شناختی با طلاق هیجانی زوجین ارتباط منفی معنی‌دار وجود دارد و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی قادر است به‌طور منفی طلاق هیجانی زوجین را تبیین کند. در این خصوص نیز تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است ولی در تبیین نتایج حاصله می‌توان بیان داشت که یکی از عواملی که سبب سازگاری هر چه بیشتر انسان با نیازها و تهدیدهای زندگی است و با سلامت روان رابطه نزدیک دارد، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی می‌باشد. انعطاف‌پذیری روان‌شناختی به توانایی افراد برای تمرکز بر موقعیت فعلی و استفاده از فرصت‌های آن موقعیت برای گام برداشتن در جهت اهداف و ارزش‌های درونی به‌رغم حضور رویدادهای روان‌شناختی چالش‌برانگیز یا ناخواسته اشاره دارد (هیز، لوین، پلامپ – ویلاردگا، ویلیت و پیستورلا[1]، ۲۰۱۳). افراد دارای انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بالا رفتارشان را در هر موقعیت، بیشتر بر اساس ارزش‌ها و اهدافشان و کمتر بر اساس رویدادهای درونی یا وابستگی‌های موقعیت فعلی‌شان نشان می‌دهند (بوند و همکاران، ۲۰۱۱؛ کاتز، زیچ و اورسیلو[2]، ۲۰۱۴). نتایج پژوهش‌های مهین ترابی (۱۳۹۰) و اپستین، چن و بیدر – کامجو[3] (۲۰۰۵) نشان داده است که انعطاف‌پذیری روان‌شناختی پیش‌بینی کننده معنی‌داری برای کیفیت روابط زناشویی است. همچنین صداقت خواه و بهزادی پور (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی، ذهن آگاهی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی نشان داد که انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بیشترین تأثیر را در پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی دارد. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای ارتباطی خانواده، ساختار انگیزشی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی از عوامل تأثیرگذار در طلاق هیجانی زوجین می‌باشد؛ بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان در پیشگیری از طلاق هیجانی زوجین به کار بست.

محدودیت‌ها و پیشنهادها. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که الگوهای ارتباطی خانواده، ساختار انگیزشی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی می‌توانند طلاق هیجانی زوجین را پیش‌بینی کنند، ولی مطالعه حاضر از نوع مطالعات همبستگی است لذا روابط به‌دست‌آمده را نمی‌توان به‌عنوان روابط علّی تفسیر کرد. از محدودیت‌های دیگر پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن پژوهش به زوجین شهر اردبیل اشاره کرد که این موجب محدودیت در تعمیم نتایج می‌شود. برای افزایش تعمیم‌پذیری نتایج به پژوهش‌های بیشتری

1. Hayes, Levin, Plumb-Vilardaga, Villatte & Pistorello
2. Katz, Czech & Orsillo
3. Epstein, Chen, & Beyder-Kamjou

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1397.4.1.5.5]

در شهرهای مختلف نیاز است. برگزاری کارگاه‌های مختلف برای آموزش انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و الگوهای صحیح ارتباط برای خانواده‌ها ضروری به نظر می‌رسد. پیشنهاد می‌شود با برگزاری کارگاه‌هایی در مراکز مشاوره با حضور همسرانی که از وجود مشکل طلاق هیجانی رنج می‌برند یا متقاضی طلاق هستند و ارائه آموزش‌های لازم به آنان در جهت افزایش انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، الگوهای ارتباطی خانواده و ساختار انگیزشی انطباقی، در کاهش طلاق هیجانی کمک کرد.

سپاسگزاری و قدردانی. از همه زوج‌هایی که به‌عنوان آزمودنی در این پژوهش شرکت کردند و با همکاری خالصانه آن‌ها اجرای پژوهش امکان‌پذیر گردید، تشکر و قدردانی می‌شود

منابع

احمدوند، محمد علی.، احمدوند، پرنیان.، و بابایی، زینب. (۱۳۹۶). کاهش کیفیت زندگی و سطح اعتماد زناشویی در طلاق عاطفی، هشتمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.

بیات مختاری، ثریا. (۱۳۹۲). اثربخشی واقعیت درمانی گروهی بر کاهش طلاق عاطفی و پیامدهای روان‌شناختی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.

پرویزی، فردین.، سرابی، پیام.، سالمی، حمزه.، و کلهری، نسرین. (۱۳۹۵). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس نقش عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زوجین، ماهنامه پژوهش ملل، ۲ (۱۴).

پروین، ستار.، داوودی، مریم.، و محمدی، فریبرز. (۱۳۹۰). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۴ (۵۶)، ۱۱۹-۱۵۳.

خواهانی‌پور، مجید.، و چیناوه، محبوبه. (۱۳۹۵). پیش‌بینی روابط صمیمانه براساس الگوهای ارتباطی خانواده و ساختار قدرت در خانواده در زوجین، نهمین کنگره بین‌المللی روان‌درمانی (اجلاس آسیایی در بستر ارزش‌های فرهنگی)، تهران، دبیرخانه کنگره بین‌المللی روان درمانی.

سلیمانیان، علی اکبر. (۱۳۸۴). بررسی اثربخشی و کارآمدی مشاوره انگیزشی نظام مند بر تعارض زناشویی. پایان‌نامه دکترا، دانشگاه تربیت معلم تهران.

صالحی‌امیری، سید رضا.، حکمت‌پور، مریم و فدایی، محدثه. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر طلاق عاطفی بر عملکرد خانواده، کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی، موسسه مدیران ایده‌پرداز پایتخت ویرا.

صالحی‌فدری، جواد.، باقری‌نژاد، مینا.، فرزانه، زهرا.، طالبیان‌شریف، جعفر. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ساختار انگیزشی و رضایت زناشویی. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱(۱)،۱۳۳-۱۵۲.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1397.4.1.5.5]

صداقت‌خواه، عاطفه.، و بهزادی‌پور، ساره. (۱۳۹۶). پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی، ذهن‌آگاهی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در فرهنگ ایرانی. اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، آسیب‌شناسی روانی و تربیت، تهران، دانشگاه الزهرا.

عباسی، ایمانه.، فتی، دکتر لادن.، مولودی، دکتر رضا.، و ضرابی، حمید. (۱۳۹۱). کفایت روانسنجی نسخه فارسی پرسش‌نامه پذیرش و عمل– نسخه دوم، فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۳ (۱۰)، ۶۵-۸۰.

عسگری، سعید.، رشیدی، علیرضا.، نقشینه، طیبه.، و شریفی سارا. (۱۳۹۴). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و تمایزیافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق. رویش روان‌شناسی، ۴ (۲)، ۸۷-۱۱۲.

کوروش‌نیا، مریم.، و لطیفیان، مرتضی. (۱۳۸۶). بررسی روایی و پایایی ابزار تجدیدنظر شدهٔ الگوهای ارتباطات خانواده. خانواده پژوهی، ۳ (۱۲)، ۸۵۵-۸۷۵.

گاتمن، جان. (۲۰۰۸). موفقیت یا شکست در ازدواج. ترجمه؛ جزایری. ارمغان. (۱۳۸۸). تهران انتشارات خجسته. ۱۸۲-۱۸۰.

لعل‌زاده کندکلی، انسیه.، اصغری ابراهیم‌آباد، محمد جواد.، و حصار سرخی، ربابه. (۱۳۹۴). بررسی نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی طلاق عاطفی. مجله روانشناسی بالینی، ۷ (۲)، ۱۰۱-۱۰۸.

مامی، شهرام.، و عسگری، میترا. (۱۳۹۳). نقش تمایزیافتگی خود و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی طلاق عاطفی. همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی طلاق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سقز.

ملکی‌زاده، علی‌اصغر، مرادخواه، و.، ملکی، حیدر.، و حبیب، حبیب. (۱۳۹۵). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با کنترل عواطف در زوجین، اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، شرکت خدمات برتر.

مهین‌ترابی، سمیه.، مظاهری، محمد علی.، صاحبی، علی.، و موسوی، سید. ولی اله. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش‌های شناختی - رفتاری بر تعدیل انتظارات غیرمنطقی، بلوغ عاطفی و نارضایتی زناشویی در زنان. مجله علوم رفتاری، ۲ (۵)، ۱۲۷-۱۳۳.

References

Bond, F. W., Hayes, S. C., Baer, R. A., Carpenter, K. M., Guenole, N., Orcutt, H. K.,. Zettle, R. D. (2011). Preliminary psychometric properties of the Acceptance and Action Questionnaire–II: A revised measure of psychological inflexibility and experiential avoidance. Behavior therapy, 42(4), 676-688 .

Carter-Snell, C., & Hegadoren, K. (2003). Stress Disorders and Gender: Implications for Theory and Research Les troubles de stress et l'appartenance sexuelle: les

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1397.4.1.5.5]

implications en matière de théorie et de recherche. CJNR (Canadian Journal of Nursing Research), 35(2), 34-55 .

Cox, W. M., & Klinger, E. (2002). Motivational structure: Relationships with substance use and processes of change. Addictive Behaviors, 27(6), 925-940 .

Campbell-Sills L, Cohan SL, Stein MB.)2006. (Relationship of resilience to personality, coping, and psychiatric symptoms in young adults. Behaviour research and therapy, 44(4), 585-99.

Cox, W. M., & Klinger, E. (2004). Handbook of motivational counseling: Concepts, approaches, and assessment: John Wiley & Sons.

Elliot, A. J., & Church, M. A. (2002). Client articulated avoidance goals in the therapy context. Journal of Counseling Psychology, 49(2), 243 .

Epstein, N. B., Chen, F., & Beyder-Kamjou, I. (2005). Relationship standards and marital satisfaction in Chinese and American couples. Journal of Marital and family Therapy, 31(1), 59-74 .

Fitzpatrick, M. A., & Ritchie, L. D. (1994). Communication schemata within the family: Multiple perspectives on family interaction. Human Communication Research, 20(3), 275-301 .

Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2012). Family therapy: An overview: Cengage learning.

Gatmann, g. (2008). Success or failure in marriage. Translation; gazayeri, A. (2009). Tehran Khojesteh Publishing. 180-182.

Hayes SC, Luoma JB, Bond FW, Masuda A, Lillis J. (2006). Acceptance and commitment therapy: Model, processes and outcomes. Behaviour research and therapy, 44(1), 1-25.

Hayes, S. C., Levin, M. E., Plumb-Vilardaga, J., Villatte, J. L., & Pistorello, J. (2013). Acceptance and commitment therapy and contextual behavioral science: Examining the progress of a distinctive model of behavioral and cognitive therapy. Behavior therapy, 44(2), 180-198 .

Katz, A. M., Czech, S. J., & Orsillo, S. M. (2014). Putting values into words: An examination of the text characteristics of values articulation. Journal of Contextual Behavioral Science, 3(1), 16-20 .

Klinger, E., Cox, W., Blount, J., Allen, J., & Columbus, M. (1995). Motivational structure questionnaire (MSQ).

Kivimäki, M., Sutinen, R., Elovainio, M., Vahtera, J., Räsänen, K., Töyry, S., Firth-Cozens, J. (2001). Sickness absence in hospital physicians: 2 year follow up study on determinants. Occupational and environmental medicine, 58(6), 361-366.

Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). Toward a theory of family communication. Communication theory, 12(1), 70-91.

Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (1997). Family type and conflict: The impact of conversation orientation and conformity orientation on conflict in the family. Communication Studies, 48(1), 59-75.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1397.4.1.5.5]

Monestès, J., Villatte, M., Mouras, H., Loas, G., & Bond, F. (2009). Traduction et validation française du questionnaire d'acceptation et d'action (AAQ-II). European Review of Applied Psychology, 59, 301-308 .

Olson, D., & Defrain, J. (2006). Marriage and families. In: New York: Mc Graw Hill.

Russell-Chapin, L. A., Chapin, T. J., & Sattler, L. G. (2001). The relationship of conflict resolution styles and certain marital satisfaction factors to marital distress. The Family Journal, 9(3), 259-264 .

Trudel, G., & Goldfarb, M. R. (2010). Marital a sexual functioning and dysfunctioning, depression and anxiety. Journal of Sexologies, 19(14), 137-142.

Zubrick, S., Silburn, S., & De Maio, J. (2006). The Western Australian Aboriginal Child Health Survey: Strengthening the Capacity of Aboriginal Children. Families and Communities', Curtin University of Technology and Telethon Institute for Child Health Research, Perth .

References (In Persian)

Abasi, E., Fti, L., Molodi, R., Zarabi, H. (2013). Psychometric properties of Persian Version of Acceptance and Action Questionnaire –II. Scientific Journal Management System, 3(2), 65-80. (In Persian).

Ahmadvand, M. A., Parnian A., & Babaei, Z. (2017). Decrease in quality of life and marital trust in emotional divorce, 8th International Conference on Psychology and Social Sciences, Tehran, Mehr Ishraq Conferences. (In Persian).

Asgari, S., Rashidi, A. R., Naghshineh, T., & Sharifi, S. (2015). The relationship between Family Communication Patterns and differentiation of self with quality of life of women applicant divorce. frooyesh, 4 (2), 87-112. (In Persian).

Bayat Mokhtari, E. (2013). Effectiveness of group reality therapy on reducing emotional divorce and its psychological outcomes. Master's thesis. Faculty of Education and Psychology, Mashhad Ferdowsi University. (In Persian).

Koroshnia, M., & Latifian, M. (2008). An Investigation on Validity and Reliability of Revised Family Communication Patterns Instrument. Journal of Family Research, 3 (4), 855-875. (In Persian).

khahanipour, M,. & Chinavah M. (2016). Predicting Sincere Relationships Based on Family Communication Patterns and Power Structure in the Family in Couples, 9th International Congress on Psychotherapy (Asian Summit on Cultural Values), Tehran, Secretariat of the International Congress on Psychotherapy. (In Persian)

Lalzadeh Kand Kelly, A,. Asghari Ebrahimabad, M,. & Hesarsorkhe, R. (2015). Study of the role of early maladaptive schemas in predicting emotional divorce. Journal of Clinical Psychology, 7 (2), 101-108. (In Persian).

Mahin Torabi, S. (2011). The effects of cognitive-behavioral training on adjusting expectations, irrational, emotional maturity and marital dissatisfaction in women Journal of Behavioral Sciences, 2(5), 127-133. (In Persian).

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1397.4.1.5.5]

Malekizadeh, A., Moradkhah, V., Maleki, H., & Habib H. (2016). The Study of Relationship Between Family Communication Patterns with Couple Controls, First International Conference on Psychology and Social Sciences, Tehran, Superior Service Company. (In Persian).

Mami, Sh & Asgari, M. (2014). The role of self-differentiation and attachment styles in the prediction of emotional divorce. Regional Pathology Divorce Congress, Islamic Azad University, Saghez Branch. (In Persian).

Parvizi, F.; Sarabi m.; Salemi H,. & Kalhori, N. (2016). Marital satisfaction prediction based on the role of family function and couples' communication patterns،Monthly Research of Nations, 2 (14). (In Persian).

Parvin, S,. Davoudi, M,. & Mohammadi, F. (2012). Sociological factors affecting emotional divorce among Tehranian families. Women family s socio- cultural council quarterly, 4 (56), 119-153. (In Persian).

Sedaghatkhah, A., & Behzadpour, S. (2017). Predicting the Quality of Marital Relationships Based on Communication Beliefs, Mindfulness, and Psychological Flexibility in Iranian Culture. First International Conference on Cultural, Pathology and Psychology, Tehran, Al-Zahra University. (In Persian).

Salehi Fadri, J., Bagherinejad, M, Farzaneh, Z, Talebian Sharif, J. (2011). The Relationship between Motivational Structure and Marital Satisfaction. Clinical Psychology and Consultation Studies, 1(1), 133-152. (In Persian).

Salehi Fadardi, J. (2003). Cognitive-motivational determinants of attentional bias for alcohol-related stimuli: Development of an attentional-control training programme. Unpublished Ph. D. Thesis, University of Wales, Bangor. (In Persian).

Salahi Amiri, S R; Hekmatpour, M & Fadaie, M. (2014). The Effect of Divorce on Family Performance, International Conference on Behavioral Sciences and Social Studies, Institute of Managers of Idea Capital, Vieira. (In Persian).

Soleimanian, N. (2005). Evaluating the Effectiveness and Effectiveness of Systematic Motivational Counseling on Marital Conflict. PhD dissertation, Tarbiat Moalem University of Tehran. (In Persian).

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1397.4.1.5.5]